

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

باریس دالگوف (Boris Dolgov)

برگردان و توضیحات از: ا. م. شیری

۲۰ اگست ۲۰۱۲

## فاجعه سوریه ادامه دارد

شکی نیست که گروه‌های مسلح مخالف دولت سوریه در صدد سرنگون کردن دولت و تسخیر قدرت هستند. همه این عملیات را سازمانهای جاسوسی امریکا، ترکیه، دیگر کشورهای عضو ناتو و ممالک پادشاهی حوزه خلیج فارس طرح ریزی کرده اند. عملیات تروریستی ۱۸ جولای ۲۰۱۲ منجر به قتل چند تن از مقامات سوریه در دمشق، پیام روشنی برای آغاز مرحله جدید خرابکاری بود. قبل از این، تلاشهایی برای مسموم کردن اعضای خانواده "اسد" به عمل آمده بود. مرحله بعدی را، که هدف آن تصرف نهادهای دولتی در دمشق بود، مجریان عملیات، گستاخانه «آنتشان در دمشق» نام دادند. حساب آنها بر این مبنا بود، که پس از قتل چند تن از رهبران سوریه، آنها دچار انشعاب خواهند شد. درست بر همین اساس، رسانه های جمعی شایعه خروج رئیس جمهور "اسد" از دمشق و رفتن وی به بندر لاتاکی را پخش کردند و درست در همین روز، «دوستان سوریه» سعی کردند در شورای امنیت سازمان ملل متحد بار دیگر قطعنامه مداخله مستقیم نظامی خارجی در این کشور را به تصویب برسانند که روسیه و چین با رأی وتوی خود جلوی آن را گرفتند. دولت سوریه اوضاع پیش آمده را (اگر چه برخی خیانتها، مثل فرار و پیوستن ریاض حجاب، جانشین سابق نخست وزیر به «مخالفان» نیز روی داد)، از سر گذراند و ارتش سوریه در اوایل ماه اگست تمامی دسته های سازمانیافته شبه نظامیان را در دمشق سرکوب کرد و از بین برد.

شبه نظامیان پس از تحمل شکست در جنگ برای تصرف دمشق، به حلب، دومین شهر بزرگ و پایتخت اقتصادی سوریه حمله کردند. گروههایی از «ارتش آزاد سوریه»، از جمله، شبه نظامیان «القاعده» از مرزهای ترکیه با سلاحهای سنگین به این شهر هجوم آوردند. در اینجا نیز نیروهای مسلح سوریه، ضمن وارد آوردن ضربات مهلک بر مهاجمان، انبارهای سلاح و مهمات آنها را هم دمشق و هم در حلب تصرف کردند و شواهد زیادی از ارتکاب شبه نظامیان به جنایات جنگی، مثل اجساد مثله شده غیرنظامیان وفادار به دولت، (از جمله اجساد معلمان مدارس) به دست آوردند. اجساد سوخته آنان را نمایندگان سازمان ملل متحد هم مشاهده کردند و یورونیوز نیز در گزارشهای خود نشان داد. یورو نیوز در گزارشات دیگری با استفاده از صحنه های فیلمبرداری شده توسط شبه نظامیان

«ارتش آزاد سوریه»، تیرباران اسرای ارتش و پولیس سوریه از سوی باندهای مسلح را نشان داد. چنین اقدامات وحشیانه که به عنوان «جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت» شناخته شده است، موجب خشم یکسری سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر گردید.

تصویب قطعنامه ۳ اگست در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ابتکار کشورهای ناتو و کشورهای پادشاهی حوزه خلیج فارس دایر بر محکومیت یک جانبه دولت سوریه یک پوشش ضخیم تبلیغاتی برای حملات تروریستی شبه نظامیان به حلب و همچنین، «آتشفشان در دمشق» بود. البته این قطعنامه خلاف قننامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد فقط الزام آور نیست و ضمن این که «جلب مقصران به دادگاه بین المللی» را از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستار شده، همه کشورها را به اعمال تحریمهای بیشتر علیه سوریه فرامی خواند. طبق ارزیابی وینالی چورکین، نماینده روسیه در سازمان ملل متحد، این قطعنامه چنان تنظیم شده است «که گویا گروههای مسلح ضد دولتی به طور کلی در سوریه وجود ندارند». وقاحت نمایندگان کشورهای غربی و «مخالفان» خارجی سوریه حد و حصری ندارد. آنها از گفت و گوها سخن گفتند و در حرف از طرح کوفی عنان و کنوانسیون ژنو پشتیبانی کردند ولی در عمل، علیه مقامات سوریه و تصرف حاکمیت سیاسی کشور، به عملیات تروریستی دست زدند. همزمان با این، غرب با تصویب دهها بسته تحریم علیه سوریه، طبیعتاً، منجر به بدتر شدن اوضاع اقتصادی-اجتماعی در این کشور، فشارهای سیاسی و اقتصادی بر سوریه را تشدید کرد.

در همین حال، نقش روسیه در حل و فصل بحران سوریه افزایش می یابد. دیدار هیأت نمایندگی دولت سوریه به سرپرستی قدری جمیل، نایب رئیس شورای وزیران سوریه، اقتصاددان سرشناس و پرفسور دانشگاه دمشق از مسکو در اوایل ماه اگست را می توان نشانه آن دانست. او در عین حال رئیس حزب مردم است که یکی از مخالفان میهن پرست داخلی بوده و در انجام اصلاحات سیاسی از سوی دولت سوریه مشارکت می کند. وزیران دارائی، حمل و نقل، نفت، و معاون وزیر امور خارجه از اعضای هیأت نمایندگی سوریه در سفر به مسکو بودند. قدری جمیل در مصاحبه مطبوعاتی خود که من شخصا در آن حضور داشتم، اظهار داشت: «در نتیجه گفت و گوها با مقامات روسیه، به توافقاتی در زمینه گسترش همکاریهای دو جانبه دست یافتیم که علاوه بر حل و فصل مشکلات پیش روی سوریه، توسعه روابط اقتصادی بین روسیه و سوریه را در چشم انداز میان مدت و طولانی مدت ممکن می سازد».

هم اکنون در سوریه همه نقطه ها علامت گذاری شده است. رسانه های غربی از انبوه تصاویر شبه نظامیان تا دندان مسلح، که در زیر پرچم «القاعده» گرد آمده و برای سرنگونی دولت قانونی سوریه از «جامعه جهانی» طلب استمداد می کنند، پر است. محافل سیاسی غرب، بی هیچ شرمی، از لزوم حمایت از شورشیان مسلح سخن می گویند. در اواخر ماه جولای رسانه های جمعی، خبری انتشار دادند مبنی بر این، که رئیس جمهور امریکا، بارک اوباما مخفیانه فرمانی را امضاء کرد که بر اساس آن سازمان سیا ارائه کمک به گروههای مسلح ضد دولتی سوریه را گسترش می دهد. لازم به ذکر است، که نیروی ضربت آنها را بنیادگرایان اسلامی تشکیل می دهند.

بدین ترتیب، مبارزان غربی که در راه «ارزشهای دموکراتیک، آزادی و رعایت حقوق بشر» پیکار می کنند، به پرسشهای زیادی باید پاسخ دهند. کدام «ارزش مشترک»، مثلاً، حزب سوسیالیست حاکم فرانسه را با «اخوان المسلمین» سوریه و «ارتش آزاد سوریه» که در صفوف آنها سلفی ها، تکفیری ها و شبه نظامیان «القاعده» می جنگند، پیوند می دهد؟ آیا هست کسی که بتواند پاسخ این سؤال را بدهد؟ اما در غرب هم به خوبی می فهمند که «اکثریت مردم سوریه از بشار اسد، رئیس جمهور خود پشتیبانی می کنند» (اذعان بژزینسکی در ماه جون سال

جاری).

در غرب به خوبی می دانند، که مخالفان سوریه یکسری جریانات بنیادگرا هستند. هدف غرب در سوریه روشن است: سرنگون کردن دولت کنونی به دست «اهلی شدگان» (یا مزدوران) تحت فرمان بنیادگرایان اسلامی از قبیل بالحاج، و تشکیل دولت عروسکی به جای آن، سپس تحریک آنها به هر شکلی که ضرورت ایجاد کند. ایالات متحده آمریکا، اشتباه مهلک خود در آماده کردن بن لادن برای جنگ در سالهای ۱۹۸۰ در افغانستان را تکرار می کند. او نیز مأمور اهلی سازمان سیا محسوب می شد. ولی بعد چه اتفاق افتاد، روشن است: «القاعده» تحت فرمان «مأمور سیا»، بن لادن، طی عملیات تروریستی قرن- انفجارهای ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ در نیویورک انجام داد که به قیمت جان چند هزار نفر شهروند آمریکا و دیگر کشورها تمام شد (۱). اینک غرب همان بازی را در سوریه آغاز کرده است، ولی این بازی با آتشی است که امریکاییها می توانند در انتظار «۱۱ سپتمبر» دیگری باشند و فرانسوی در انتظار «تیراندازی جدید در تولوز».

آنچه که به روسیه مربوط می شود، موضع آن در قبال مسأله سوریه مشخص است. زبان دیپلماتیک روسیه تندتر می شود. در یکی از بیانیه های اخیر وزارت امور خارجه، در خصوص نگرانی روسیه از تحویل سلاح به شبه نظامیان سوریه از خارج، به جای اصطلاح غیرشفاف «مخالفان»، عبارت جنایات جنگی و «اقدامات خونین گروههای مسلح غیرقانونی» ذکر شده است. انتظار می رود در دیگر مسائل مرتبط با اوضاع سوریه و پیرامون آن (مثلاً، حضور کشتی های جنگی روسیه در سواحل سوریه)، روسیه موضع توجیه گرانه نخواهد گرفت. اگر ما بر حضور افرادی از جمهوریهای قفقاز روسیه در میان گروههای مسلح درگیر جنگ در سوریه و تشدید فعالیت زیرزمینی اسلامگرایان در روسیه (اقدامات تروریستی در قازان و گروزنی) چشم پوشی نمی کنیم، نمی توانیم به مقابله با تروریسم در سوریه به عنوان حادثترین مسأله ای در مناسبات بین المللی، که به مسأله داخلی روسیه نیز تبدیل می شود، چشم فروبندیم. تدابیر متخذه در مقابل تهدیدات ناشی از این امر، باید با خود خطر متعارف باشد. سوریه می آموزد (۲). فقط باید اراده کرد و آموخت.

توضیح و تفسیر مترجم:

(۱) - این ارزیابی از حادثه تروریستی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، یعنی نسبت دادن آن به «القاعده» بدون هماهنگی با نهادهای امنیتی آمریکا، اشتباه است. آمریکا به منظور آماده کردن زمینه برای سلطه بر تولید مواد مخدر جهان و همچنین، با هدف ایجاد یک پایگاه نظامی به بزرگی افغانستان برای مداخله در کشورهای ایران، چین، هند و روسیه، به این عملیات تروریستی دست زد و به بهانه آن افغانستان را به اشغال خود درآورد. مراجعه شود به این نشانی:

<http://www.hafteh.de/?p=31759>

(۲) - هر کسی با هر دیدگاهی و با هر تعلق فکری و تشکیلاتی یا مستقل، اگر بخواهد فاجعه سوریه را مختص خود این کشور تعریف کند، سخت اشتباه خواهد کرد (البته در اینجا طرف سخن ما، مغرضان و ذینفعان در فاجعه تجاوز نظامی خارجی به سوریه نیستند). امروز سوریه با بحران داخلی هم رو به رو نیست. سوریه با یک تجاوز نظامی گسترده خارجی درگیر است که امپریالیستهای اروپا و آمریکا پس از رسوائی در لشکرکشی به افغانستان و عراق، به جای ارتشهای منظم، از گروههای مزدورانی استفاده می کنند که تحت نظر متخصصان نظامی و امنیتی سازمانهای جاسوسی غرب تربیت و سازماندهی می شوند. برای اثبات این مدعا صرفنظر از این که اسناد و مدارک

زیاد تا کنون انتشار یافته، مراجعه به اخبار حوادث روزانه سوریه و اظهارات مقامات غربی، جلسه ها و کنفرانسهای متعدد «دوستان سوریه» و اعلام حمایتهای رسمی مالی، تسلیحاتی، آموزشی، تبلیغاتی کفایت. این مدعا را همچنین، شکست طرح کوفی عنان نماینده سازمان ملل متحد و اتحادیه کشورهای عربی نیز ثابت می کند. طرح کوفی عنان ناظر بر حل و فصل سیاسی بحران سوریه، به عبارت دقیق تر، حل سیاسی تجاوز نظامی به سوریه بود. همچنان که رسانه ها مختلف مکرراً در گزارشهای خود تأکید کرده اند، دولت سوریه ضمن پشتیبانی از طرح عنان، آمادگی خود را برای گفت و گو و مذاکره در همان ابتداء اعلام نمود، ولی طرف مقابل، از جمله، بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا صمن فراخواندن دسته های تروریست به ادامه مبارزه مسلحانه، حتی در دوم ماه اگست فرمان کمک گسترده سازمان سیا به تروریستهای مسلح در سوریه را امضاء کرد و انگلیس و دیگر کشورهای عضو ناتو با ارائه کمکهای همه جانبه به تروریسم بین المللی، با طرح حل و فصل سیاسی تجاوز به سوریه مخالفت کردند. البته، همه اینها بدیهیات است و بر همه روشن. اما، این فجایع از کجا سرچشمه می گیرد؟

بی تردید حافظان و نظریه پردازان نظام سرمایه داری بهتر و دقیق تر از همه پیش بینی کرده بودند و می دانستند که نظام سرمایه داری دیر یا زود دچار آخرین بحران ساختاری خواهد شد و در سرآشویی سقوط و اضمحلال قرار خواهد گرفت. از چهار سال پیش، جهان شاهد این بحران و دوره سقوط است. بنا بر این، سران نظام برای حفظ وضع موجود و ادامه حیات خود، در پایان جنگ به اصطلاح جنگ سرد، ستراتژی جدید جهانی سازی امپریالیستی را تدوین کردند که بر اساس آن، نقشه سیاسی جهان می باید به کلی تغییر یابد و کشورهای هر چه کوچکتر و کوچکتر، آشوب زده، گرفتار هرج و مرج و درگیریهای گروههای قومی- قبیله ای، دینی- مذهبی تشکیل گردند که نه دولتی برای اداره کشور داشته باشند و نه ارتشی برای دفاع از سرزمین خود. ۱۹ جمهوری منشعب از اتحاد شوری (احتمالاً منهای روسیه)، شبه کشورهای منشعب از یوگسلاوی، سومالی، افغانستان، عراق، سومالی و لیبیا فعلاً نمونه و نتیجه این ستراتژی جدید غرب هستند. بدین ترتیب، یک دولت و یک ارتش جهانی تشکیل می شود که ناتو به تدریج به سمت تبدیل شدن به ارتش جهانی می رود تا بتواند هر جنبنده ای را در هر نقطه جهان در خون خودش غرقه سازد. این است ماهیت و جوهر اصلی حوادث امروز سوریه و اگر نیروهای ترقیخواه، صلحدوست و استقلال طلب جهان نتوانند این کشور را از چنگال تروریسم غرب برهانند، علاوه بر این که این کشور را حداقل به چهار کشور مترسکی شیعه- علوی، سنی، دروزی و کرد تبدیل خواهند، حتی دور جدید جنگهای استعماری قربانیان جدید را به کام خود خواهد کشید.

<http://www.fondsk.ru/news/2012/08/10/sirijskaya-tragediya-prodolzhenie.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/08/19/>

۲۹ مرداد [اسد] ۱۳۹۱

